

نظری به نامه‌های محمدعلی فروغی

به کوشش محمد افشین‌وفایی و مهدی فیروزیان، تهران: بنیاد موقوفات
دکتر محمود افشار، ۱۴۰۱. ۵۰۴ صفحه، ۳۹۰ هزار تومان.

فائزه ترکاشوند (زاده ۱۳۶۷ در تهران) پژوهشگر حوزه ادبیات است که علاوه بر موضوعات ادبی در عرصه‌های تاریخ و سیاست معاصر نیز دستی بر آتش دارد و تاکنون با نشریه‌هایی همانند بخارا و کتاب ماه ادبیات در مقام نویسنده، همکاری کرده‌است. او که در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی دانش‌آموخته شده، در حیطه کتاب‌شناسی و کتابداری هم تجربیاتی اندوخته‌است. از نوشته‌های منتشرشده او می‌توان به «نگاهی به پدیده‌های مدرن در شعر عصر قاجار و مشروطه» و «ترانه‌های قیصر امین‌پور در ترازوی نقد» اشاره کرد. مقاله حاضر به قلم وی نگاهی است دقیق به «نامه‌های محمدعلی فروغی» که حاوی نکاتی ارزشمند و قابل‌توجه است که به کار تاریخ‌نگاری قرن اخیر ایران می‌آید.



فائزه ترکاشوند

فصلنامه

خاطرات

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۲۲- پاییز ۱۴۰۲

۲۰۶

تکمیل مجموعه مذکور با همراهی مهدی فیروزیان دست به گردآوری و تصحیح و توضیح نامه‌های برجامانده از فروغی زده است. بدین ترتیب سه‌گانه‌ای در شناخت زندگی و شخصیت نخستین نخست‌وزیر دوران سلطنت رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی، و نخستین رئیس فرهنگستان ایران، به همت افشین‌وفایی و همکارانش پدید آمده که گوشه‌هایی نکاویده از سیاست و فرهنگ در تاریخ معاصر را به مخاطبان امروزی می‌شناساند. به سبب نثر فصیح و پرکشش فروغی و همچنین نگاه چندوجهی و توجه همزمانش به جوانب مختلف تاریخ و فرهنگ و سیاست و اجتماع و ملیت ایرانی

محمد افشین‌وفایی (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و مدیر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار) پیش از این دو کتاب مهم از اسناد مربوط به محمدعلی فروغی (۱۳ تیر ۱۲۵۶- ۵ آذر ۱۳۲۱) ملقب به ذکاءالملک، را با همکاری پژمان فیروزبخش، با مشخصات زیر منتشر کرده است: یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس (دسامبر ۱۹۱۸- اوت ۱۹۲۰) (تهران: سخن، ۱۳۹۴).
خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ (تهران: سخن، ۱۳۹۶).
این پژوهشگر ارجمند در ادامه تحقیقات و

و امور مربوط به آموزش و پرورش و کتب و مطبوعات و روابط فرهنگی و سیاسی ایران با کشورهای همسایه و سایر ملل جهان نامه‌های وی بسیار خواندنی است.

کتاب نامه‌های محمدعلی فروغی متشکل از پنج قسمت است: ۱. مقدمه، ۲. متن، ۳. تعلیقات، ۴. فهرست‌ها، ۵. تصاویر. درباره هر یک از این قسمت‌ها به اختصار توضیحاتی ارائه می‌شود. اما پیش از آن جا دارد از حروفچینی بی‌غلط و صفحه‌بندی آراسته و چشم‌نواز کتاب هم به نیکی یاد کنیم.

۱. مقدمه: شامل سه بخش است. «مجملی از زندگی فروغی» (ص ۱۹-۲۶) که زندگی‌نامه‌ای مختصر و مفید از ذکاءالملک را دربردارد و به‌ویژه از حیث معرفی اعضای خاندان فروغی و ثبت اطلاعاتی منتشرنشده از آنان درخور توجه است. «درباره نامه‌های فروغی» (ص ۲۶-۴۰) که در آن با توجه به تاریخ و محل نگارش و مخاطبان نامه‌ها، و موضوع مکتوبات فروغی و همچنین در نظر گرفتن مناصب سیاسی او و مخاطبانش در زمان نوشته شدن نامه‌ها دسته‌بندی‌هایی روشن‌گر صورت پذیرفته است. این بخش آینه‌ای کوچک اما تمام‌نما از محتویات کتاب و دریچه‌ای برای آشنایی با جهان مکتوبات فروغی است. در بخش «روش کار» (ص ۴۱-۴۴) هم جزئیات مربوط به شیوه گردآوری و تنظیم نامه‌ها درج شده و آگاهی از آن استفاده مخاطبان از کتاب را آسان‌تر می‌کند.

۲. متن: ۱۳۰ نامه از فروغی به ترتیب تاریخی در این بخش گرد آمده است. گذشته از نامه‌های خصوصی و اداری‌ای که برای اولین بار در این کتاب چاپ شده گردآورندگان

نامه‌های فروغی را از میان اسناد مجموعه‌های خصوصی و عمومی، مطبوعات و کتاب‌های مربوط به عصر قاجار و پهلوی جمع آورده‌اند و در بسیاری از موارد نیز مطالب چاپ‌شده را بار دیگر با اصل دستنویس فروغی مقابله کرده‌اند و از این طریق موفق به تصحیح برخی از بدخوانی‌ها یا افتادگی‌های موجود در منابع چاپی شده‌اند. تاریخ نخستین نامه بهمن ۱۲۸۸ و زمان نگارش آخرین نامه ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ یعنی پنج ماه و چند روز پیش از درگذشت ذکاءالملک است. بعضی از نامه‌ها بدون تاریخ نگارش و نام مخاطب به دست گردآورندگان رسیده و ایشان بر اساس قرائن موجود در متن و اسناد دیگر تاریخ دقیق یا تقریبی تمام نامه‌ها و مخاطب احتمالی یا قطعی اکثر آن‌ها را مشخص کرده‌اند. در محدوده زمانی سی‌ودوساله‌ای که مکتوبات فروغی نوشته شده او در مهم‌ترین مشاغل سیاسی و دیپلماتیک خدمت می‌کرده و عهده‌دار منصب‌هایی مانند نخست‌وزیری، وزارت امور خارجه، وزارت عدلیه، ریاست مجلس شورای ملی، نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس و سفیرکبیری ایران در ترکیه بوده است (تعداد کمی نامه نیز در زمان خانه‌نشینی فروغی و دوری او از سیاست، یعنی در فاصله آذر ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۲۰ نوشته شده است که جنبه خصوصی یا فرهنگی دارد). به همین سبب و با توجه به نوع روابط رجالی در سطح فروغی، اغلب مخاطبان او نیز افرادی مؤثر و سرشناس در تاریخ معاصر بوده‌اند. به طور کلی مخاطبان این نامه‌ها به چهار بخش قابل تقسیم‌اند که بر اساس تعداد نامه‌ها در هر بخش آن‌ها را مرتب می‌کنیم:

فصلنامه

خاطرات

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۲۲ - پاییز ۱۴۰۲

۲۰۷

اول: وزارتخانه‌ها، مطبوعات و ادارات مختلف مانند وزارت امور خارجه و داخله، مالیه، عدلیه، جنگ، معارف، دربار، هیئت دولت، مطبوعات انگلیس، روزنامه کاهه و اداره نگارش وزارت فرهنگ.

دوم: شخصیت‌های ایرانی که آن‌ها را بر اساس پیشه و جایگاه اجتماعی‌شان به دو دسته تقسیم می‌توان کرد. نخست رجال سیاسی که در میان آن‌ها نام این افراد برجسته دیده می‌شود: رضاشاه، محمدرضاشاه، حسن مستوفی‌الممالک، مهدی‌قلی هدایت (مخبرالسلطنه)، عبدالحسین تیمورتاش، حسین علاء، رجبعلی منصور، علی سهیلی، محمدعلی فرزین (کلوب)، یحیی قراگوزلو (اعتمادالدوله)، صادق مستشارالدوله، فتح‌الله پاکروان و اسدالله قدیمی نوابی (مشارالسلطنه)؛ و دوم رجال علمی و فرهنگی و مذهبی مانند سید حسن تقی‌زاده، محمد قزوینی، آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، محمود افشار، علی‌اکبر گلشن، سید محمدعلی داعی‌الاسلام و حمزه سردادور.

سوم: شخصیت‌های غیرایرانی که اکثر آن‌ها رجال سیاسی سرشناس مانند وینستون چرچیل، ژوزف استالین، آنتونی ایدن، آرتور میلسیو، ریدر ویلیام بولارد، توفیق رشدی‌بیک، ژوزف اونول، فریدریش ورنر فوندر شولنبرگ هستند؛ ولی نام محققانی چون ادوارد براون انگلیسی و محمد اسحاق هندی هم در میان آنان به چشم می‌آید.

چهارم: خویشان و اعضای خانواده فروغی از جمله پسران و دخترش حمیده. البته در این دسته از مخاطبان که فروغی نامه‌هایی خصوصی برایشان نوشته هم به

شخصیت‌های علمی و فرهنگی برمی‌خوریم. برای نمونه بیشترین نامه‌های خصوصی موجود در کتاب خطاب به برادر ذکاءالملک، ابوالحسن فروغی، نوشته شده که از رجال خوشنام و اهل قلم عهد خویش بود و علاوه بر نمایندگی ایران در جامعه ملل و وزیرمختاری ایران در سوئیس، ریاست مدرسه عالی دارالمعلمین را بر عهده داشته و مجله‌های اصول تعلیم و فروغ تربیت را نیز منتشر کرده است. دو شوهرخواهر فروغی، محمود اورنگ (وقارالسلطنه) و عبدالرزاق بغایری هم افرادی اهل قلم و علم بوده‌اند. با اینکه نامه‌های اداری و مربوط به مسائل کاری (چه سیاسی، چه فرهنگی) بخش اعظم کتاب را تشکیل داده است مکتوبات خصوصی مربوط به این بخش هم تنوعی به مطالب بخشیده و هم خوانندگان را با مسائلی از زندگی شخصی فروغی آشنا می‌کند.

۳. تعلیقات: تعلیقات این کتاب به صورت پانویشت تنظیم شده و در پای صفحات آمده و کمتر صفحه‌ای از کتاب بدون توضیح و پانویشت مانده است. مطابق برآورد نگارنده حدود ششصد زیرنویس در کتاب وجود دارد که نشان‌دهنده تلاش گردآورندگان برای شرح و توضیح مطالب موجود در مکتوبات ذکاءالملک است. حجم اصلی تعلیقات را معرفی رجال مذکور در نامه‌ها (در اولین موضع ذکر نامشان در کتاب) به خود اختصاص داده است؛ اما جز این نکاتی درباره چگونگی تصحیح متن و توضیح اصل دستنویس فروغی، شرح اشارات و مآخذ اشعار، ترجمه و توضیح عبارات عربی و لغات فرنگی و... نیز در آن وجود دارد. فروغی ادیبی سخن‌دان بوده و در جای‌جای نثر

خود از گنجینه ادبیات کهن فارسی هم برای غنی‌تر شدن مکتوباتش استفاده کرده است. توضیح گردآوردگان خواننده را با این وجه از ویژگی‌های نثر فروغی آشنا می‌سازد؛ برای نمونه فروغی در پایان نامه‌ای که به‌عنوان وصیت و پند برای فرزندان ذکور خود نوشته مرقوم داشته است: «اما اگر گفتن از من است کار بستن از شماست». در زیرنویس گردآوردگان نکته نهفته در عبارت فروغی را آشکار کرده‌اند: «اشاره به مصرع «گفتن ز من، از تو کار بستن» از نصیحت نظامی به پسرش در لیلی و مجنون» (ص ۱۸۶).

۴. فهرست‌ها: در کتاب‌هایی از این دست که موضوع آن یک امر واحد و اختصاصی نیست و مسائل مطرح‌شده در آن اعم از مفاهیم سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی، علمی، فرهنگی و روابط ایران با کشورهای خارجی، مطبوعات و... است، اهمیت استخراج نمایه‌های چندگانه و دقیق محسوس‌تر است. گردآوردگان جد و جهدی بلیغ در کار تهیه فهرست‌های چندگانه برای این کتاب از خود نشان داده‌اند و علاوه بر فهرست معمول اشخاص، جای‌ها و ابنیه و کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجله‌ها، فهرست مفصلی نیز از نام ادارات و سازمان‌ها و تشکلات، منصب‌ها، دول، اقوام، گروه‌ها و فرقه‌ها، مذاهب، لوايح و قراردادهای مناسب‌ها، زبان‌ها و غیره فراهم آورده‌اند که راه بهره‌گیری از اطلاعات موجود در کتاب را برای پژوهشگران بسیار هموار کرده است. حتی در مواردی می‌توان نمایه‌ها را نوعی «نمایه‌تعلیقات» و توضیحی برای درک بهتر متن دانست؛ برای نمونه هر جا در کتاب از «هیئت دولت» و «هیئت وزرا» یا هر یک از وزرای وزارتخانه‌های مختلف یاد شده

گردآوردگان آن موارد را در نمایه به تفکیک کابینه‌ها و ذکر نخست‌وزیر وقت دسته‌بندی کرده‌اند. اطلاعات افزوده شده توسط گردآوردگان، در گروهی از نام‌های مندرج در نامه‌ها مجزا شده است. از همین دست است این اطلاعات تکمیلی مذکور در گروهی برای کمک به فهم بهتر مکتوبات فروغی:

[عهدنامه] ۱۸۸۱ [ایران و شوروی]

عهدنامه [ترکیه و افغانستان در ۲۵ مه ۱۹۲۸]
قرارداد ۱۹۱۳ [قسطنطنیه/اسلامبول، بین ایران و عثمانی]

مادّه دوم پروتکل ترکیه [با ایران، ژانویه ۱۹۳۲]

۵. تصاویر: در حدود هشتاد عکس از فروغی، پدر، برادر، همسر و فرزندان او که برگرفته از آرشیوهای خصوصی خانواده فروغی است و برای نخستین بار در این کتاب به چاپ می‌رسد زینت‌بخش صفحات پایانی کتاب شده است. علاوه بر این، عکس‌هایی از رجال مهم عصر قاجار و پهلوی و مخاطبان نامه‌های فروغی یا کسانی که از آن‌ها در مکتوبات فروغی ذکری رفته، در بخش مذکور آمده است.

● چند سطر منتخب

فروغی آن‌قدر نکته‌سنج و جامع‌نگر و خوش‌فکر بوده که هر ورق از کتاب نامه‌های او را نگاه کنیم نکته‌ای جالب در آن می‌یابیم؛ گاه سیاسی و دیپلماتیک؛ برخی مواقع اجتماعی، گاه تربیتی و آموزشی، گاه اشارتی حکمت‌آمیز و فلسفی، زمانی ادبی یا لغوی یا مربوط به ترجمه، گاه تاریخی و در بعضی موارد نیز مسائل خصوصی و زندگی خانوادگی. در اینجا برای نمونه چند سطر منتخب از بخش‌های

مختلف مکتوبات او را در موضوعات گوناگون نقل می‌کنیم تا خوانندگان بیشتر با حال و هوا و موضوعات مطرح‌شده در نامه‌های ذکاءالملک آشنا شوند.

او با شناختی که از تاریخ ایران و خلق و خوی اقوام ایرانی داشته در باب دور بودن سرشت ایرانیان از ترور و تروریسم خطاب به ادوارد براون نوشته است:

«اما در فقرات مرقومه که ماحصل آن تأسّف بر عدم قدردانی ایرانیان نسبت به خدمتگذاران ملت و ظهور اصول ترریزم در این مملکت بود عرض می‌کنم جنابعالی که بهتر از همه کس بر احوال و اخلاق و عادات و کیفیت مزاجی و طبیعی ایرانیان قدیماً و جدیداً اطلاع دارید یقیناً تصدیق می‌فرمایید که ترریزم با طبیعت ایرانی سازگار نیست و اگر در این نواحی از آن قبیل چیزی به ظهور برسد بر سبیل نادر و موقت خواهد بود» (ص ۶۴).

اظهار نظرهای او در مورد ایرانیان و راهی که ایشان برای رسیدن به استقلال و پیشرفت باید برگزینند متنوع و مهم است و گزیده‌ای بسیار مختصر از آن‌ها را می‌آوریم. در مورد اینکه ایرانی‌ها از بیگانگان بی‌نیازند و می‌توانند روی پای خود بایستند و استقلال داشته باشند:

«گاهی اوقات به نظر می‌رسد بعضی از مغرضین ایران می‌خواهند زمزمه کنند که ایرانی‌ها نمی‌توانند مملکت خود را اداره نمایند و باید دیگری از آن‌ها سرپرستی کند. اگرچه مطالعه لوابح و مقالاتی که نمایندگان ایران منتشر کرده‌اند جواب این حرف را به‌خوبی می‌دهد لیکن باز می‌گوییم: ایرانی‌ها که در ظرف سه هزار سال تاریخ

ملّی خود مملکت خود را در کمال خوبی اداره کرده، و غالباً جزء دول معظمه بلکه اعظم دول بوده، و هروقت برحسب پیش‌آمد روزگار لطمه به آن‌ها وارد آمده در اندک‌مدتی جبران آن را نموده‌اند چگونه نمی‌توانند مملکت خود را اداره کنند؟» (ص ۷۷).

اشاره به نبود اندیشه اتحادبخش عمومی برای ایجاد ملتی قدرتمند در ایران و سیاست تفرقه‌افکنی انگلستان:

«اگر ایران ملّتی داشت و افکاری بود اوضاع خارجی از امروز بهتر برای ایران متصوّر نمی‌شد. با همه قدرتی که انگلیس دارد و امروز یگه‌مرد میدان است با ایران هیچ کار نمی‌تواند بکند. مجبور است هر روز تکرار و تأکید کند که ما ایران را تمام و مستقل می‌خواهیم. حتّی ملّت خود انگلستان در این مسئله مدّعی دولت است و غیر از این نمی‌تواند بگوید. فقط کاری که انگلیس می‌تواند بکند همین است که خود ما ایرانی‌ها را به جان هم انداخته پوست یکدیگر را بکنیم و هیچ کاری نکنیم و متصل به او التماس کنیم که بیا فکری برای ما بکن» (ص ۸۹).

در ضرورت خودباوری و تلاش ایرانیان برای اصلاح امور کشور نوشته است:

«اصلاح حال ایران به دست خود ایرانی‌هاست، اگر در ایران جماعتی نباشند که بدانند چه می‌کنند و صرفه و مصلحت حال مملکت را در نظر داشته باشند و افکار عامّه را هدایت کنند و از موافقی که پیش می‌آید استفاده نمایند چه می‌توان نتیجه گرفت؟» (ص ۹۶).

در نامه‌ای دیگر نیز نخست از گذرا بودن حالات مختلف و لزوم حفظ تعادل و آرامش

در این حالات حرف زده و سپس بار دیگر تصریح کرده که اصلاح باید از درون صورت بگیرد و مردم نباید چشم‌به‌راه مصلحان خارجی باشند:

«در نوشتجات خودم به شما می‌گفتم ترتیباتی که داده می‌شود ثابت و برقرار نیست و سریع‌التغییر است؛ نه از پیش‌آمد خوب باید شادی فوق‌العاده کرد، نه از پیش‌آمد بد زیاد باید متأسف بود. دیدید که پیش‌بینی من صحیح بود و زودتر از آنکه خودم فرض می‌کردم وقوع پیدا کرد. حالا هم همان حرف را می‌زنم و می‌گویم که این اوضاع اعمّ از خوب یا بد خیلی سریع‌التغییر است. دنیا در حال غلیان است و متصل‌زیر و رو می‌شود نه مغرور باید شد نه مأیوس و نکته اصلی آن است که هر قومی خود باید در فکر صلاح حال خود باشد و اگر نباشد دیگران برای او کاری نمی‌کنند و اگر هم بخواهند بکنند نمی‌توانند» (ص ۱۱۷-۱۱۸).

اولین قدم برای رسیدن به وضع بهتر ایجاد اتحاد و شکل دادن افکار عمومی است: «به عقیده بنده ما هیچ کار نباید بکنیم جز اینکه خودمان را درست بکنیم. عجاله «ما» در کار نیست. ما نیستیم، ما وجود نداریم، و فقط همین عیب را داریم، یعنی عدم صرف هستیم که بدتر از وجود ناقص است» (ص ۱۰۱).

فروغی هیچ‌گاه از اصلاح امور ایران ناامید نشد و برای پیشرفت در آینده به کارهای زیربنایی و گسترش آگاهی دل بسته بود: «اکنون باز تأکید و تکرار می‌کنم که از اوضاع حالیه مأیوس نباید بود و نباید خیال کرد که برای اقدام موقع گذشته و دیر شده، خیر، حالا اول کار است و شب آبستن، و باید از

حالا پای‌بست خانه را درست کرد که اگر هم حالا شکستی به در و دیوار وارد آید در وقتی که موقع مناسب شد بتوان بر روی پایه بنایی کرد و یقین بدانید که آن موقع خواهد رسید و ممکن است شکستی هم که ما از آن ترس داریم وارد نیاید، به شرطی که ایرانیان بدانند چه بکنند و بخواهند بکنند» (ص ۱۰۲-۱۰۳). او در عین توجه و تأکید بر استقلال‌طلبی و اصلاح امور داخلی، به اهمیت روابط خارجی و نقش سیاست بین‌المللی در پیشبرد اهداف کشور هم واقف بود:

«از مطالبی که باید متوجه و ملتفت بود مسئله مجمع ملل است. نمی‌دانم ایرانیان اهمیت این اساس را به‌خوبی درک کرده‌اند یا نه. در فرنگستان خیلی به آن اهمیت می‌دهند، مخصوصاً کسانی که رجال سیاسی قدیمی نیستند، یعنی هرکس اهل علم و فلسفه و ذوق و دارای عقاید انسانیت و عدالت و طالب صلح و امنیت است هواخواه مجمع ملل است» (ص ۱۰۴).

فروغی عاشق زبان و ادبیات فارسی، به‌ویژه شاهکارهای کم‌نظیر ادبیات کهن مثل آثار فردوسی و سعدی و حافظ بود؛ اما به دلیلی منطقی که در نامه به محمد اسحاق، نوشته است از اظهار نظر درباره ادبیات معاصر احتراز می‌کرد:

«پایه شعر فارسی بلند است و می‌دانید که در دنیا اقوام و ملل قدیم و جدیدی که ادبیات معتبر داشته و دارند فراوان نیستند و شاید بتوان گفت که از شماره انگشتان تجاوز نمی‌کنند. به عقیده من در میان همان اقوام و ملل معدود که دارای ادبیات قابل‌توجه می‌باشند نیز ادبیات و مخصوصاً شعر فارسی مرتبه عالی دارد و اگر خودستایی نمی‌شد

فصلنامه

خاطرات

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره ۲۲ - پاییز ۱۴۰۲

۲۱۱

می‌گفتم ادبیات ما از آن دیگران پست‌تر نیست بلکه از بسیاری بالاتر است؛ اما اینکه سخنوران امروزی ایران در دنیا چه مقامی دارند مسئله دیگری است که نمی‌خواهم در آن وارد شوم؛ زیرا گذشته از هرچیز معتقدم بر اینکه هیچ‌گاه درباره سخنوران معاصر حکم صحیح نمی‌توان کرد. انسان نسبت به معاصرین خواهی‌نخواهی مهر و کین دارد و هر اندازه کوشش کند که خود را از آن اغراض دور بدارد و نظر منصفانه بی‌طرفانه اختیار نماید میسر نمی‌شود و فرضاً که شد دیگران که از این اغراض مبری نیستند به تشخیص او به دیده مهر و کین می‌نگرند و به تمایل و تناصر منسوبش می‌کنند» (ص ۳۸۶).

یکی از مسائلی که ذکاءالملک به آن توجه داشت مسئله آموزش و پرورش و سوادآموزی است. او با هر نوع سختگیری و تعجیل و فشار برای آموزش کودکان مخالف بود و مثلاً نوشته است:

«به‌راستی من در عجبم از کسانی که اهتمام دارند که اطفال دبستان خواندن و نوشتن به‌سرعت بیاموزند و نمی‌فهمم اگر طفل به جای آنکه در یک سال خواندن یاد بگیرد در سه ماه بیاموزد چه نفعی عاید او می‌شود در صورتی که کتابی ندارد که بخواند و بفهمد» (ص ۲۲۷-۲۲۸).

با وجود علاقه شدیدی که فروغی به کتاب و کتابخوانی داشت و رواج آن را هم لازم می‌دید، بر اساس نگاه خردمندانه‌ای که به حساسیت‌های امر آموزش اطفال داشت درباره تعلیمات ابتدایی به کم کردن حجم کتب درسی و تکیه بر آموزش شفاهی معتقد بود و تحمیل کردن مطالعه کتاب‌های مختلف به کودکان را زیانبار می‌دانست:

«چون از کتاب گفتگو کردم یک نکته را هم راجع به این مسئله تذکر می‌دهم که در مدارس ما در استعمال کتاب افراط می‌کنند. یعنی خریدن و خواندن کتب غیر لازم به اطفال تحمیل می‌نمایند. در ایران به قدری که شاگردان مدارس در یک سال کتاب می‌خرند در ممالک دیگر در تمام دوره تحصیل نمی‌خرند و جهت آن این است که معلمین و اولیای مدارس برای هر درسی مقیدند کتاب به دست شاگرد بدهند و حال اینکه هیچ ضرورت ندارد. به عقیده بنده در مدارس ابتدایی فقط کتابی که برای اطفال لازم است کتاب قرائت فارسی است و الا حساب یا مسائل شرعی و اخلاقی و سایر موارد را به اندازه‌ای که در ابتدایی باید تعلیم کرد معلم در کمال خوبی می‌تواند شفاهاً و با تخته‌سیاه بیاموزد و کتاب در این موارد مفید نیست بلکه مضر است» (ص ۲۲۸).

وجهی مطبوع و دلکش از نامه‌های فروغی نیز ابزار احساسات پدران و اظهار دلتنگی و عشق به اعضای خانواده و فرزندانش است که در نامه‌های خصوصی او متجلی شده است:

«امیدوارم همه سلامت باشید و ملالتی نداشته باشید. حال من بسیار خوب است و از اول مسافرت تا به حال هیچ‌گونه کسالت و کدورتی نداشته‌ام بحمدالله الا اینکه هر وقت یاد عزیزان طهران را می‌کنم دلم آب و اشکم جاری می‌شود، همه را از قول من عرض ارادت و سلام و دعا برسانید. بچه‌ها را روزی هزار دفعه از جانب من ببوسید. امیدوارم سوغات‌هایی که خواسته‌اند برای ایشان بگیرم؛ اما پاریس هم خیلی گرانی است و هر چیزی دو سه برابر شده است» (ص ۷۳).